



درآمد

بیشتر ناظران و پژوهشگران بر این باورند که جنبش انقلابی شیخ عزالدین القسام با شهادت او پایان نیافت، بلکه باخون سرخ رنگ او توان تازه گرفت، و دیری نپائید که در آوریل سال ۱۹۳۶ با عملیات مسلحانه گروهی از انقلابیون جنبش القسام، انقلاب سراسری سال ۱۹۳۶ آغاز گردید. استاد سید محمد صادق حسینی کارشناس مسائل خاورمیانه در گفت و گوی اختصاصی با شاهد یاران ابراز عقیده کرده که نهضت‌ها و قیام‌هایی که در طول هشتاد سال گذشته در سرزمین فلسطین شکل گرفتند به برکت خون شهید القسام و یاران باوفای او بوده که این قیام‌ها تا آزاد سازی فلسطین همچنان ادامه خواهد یافت.

بررسی مظلومیت مقاومت فلسطین در گفت و گوی اختصاصی شاهد یاران با استاد سید محمد صادق حسینی

القسام قربانی شاننازهای رژیم‌های سازشکار عرب...

اصل قرآنی «ان الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا باموالهم و انفسهم» ناگزیر خانه‌اش را فروخت و به سرزمین فلسطین هجرت کرد. او ابتدا به منطقه جبل صهیون رحل اقامت کرد، تا پرچم مبارزه را بر ضد استعمارگران فرانسوی و موج مهاجرت یهودیان به فلسطین برافرازد. نباید فراموش کرد که القسام مدتی هم بر ضد سیاست‌های مستبدانه دولت عثمانی مقاومت کرد. زیرا دولت عثمانی از اقدام او برای ارسال کمک‌های مردمی و اعزام داوطلبان جهاد با استعمارگران ایتالیایی به لیبی جلوگیری به عمل آورده بود.

شیخ عزالدین القسام پس از استقرار در شهر حيفا فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی خود را در مسجد الاستقلال آغاز کرد. از همان ابتدا کوشید با اقشار مستضعف به ویژه کارگران و زحمتکشانش ارتباط برقرار کند، و هسته جنبش جهادی را از میان آنان تشکیل دهد. یکی از نشانه‌های مشترک و تشابه راهکار شهید القسام با راهکار سایر جنبش‌های اسلامی و ضد استعماری آن مرحله این است که او ضمن برنامه ریزی برای پیکار مسلحانه، به تدریس قرآن کریم و زبان عربی نیز تلاش می‌کرد. زیرا استعمارگران از طریق یورش نظامی و اشغال سرزمین‌های مسلمانان کوشیدند با زبان و فرهنگ ملی آنان نیز مبارزه کنند. آنگونه که استعمارگران فرانسه در شمال آفریقا با این شیوه رفتار کردند.

جنبش انقلابی القسام تشابه دیگری نیز با نهضت مشروطه در ایران داشت. او پایه‌گذار راهکار مبارزه‌ای

شعله‌ور می‌شود و القسام در این شرایط یک گردان ۲۵۰ نفره از رزمندگان داوطلب تشکیل می‌دهد تا آنان را به لیبی اعزام کند. لذا می‌توان گفت که شهید القسام دیدگاه جهانی داشته است. با جهانیابی باز و جهان شمول به مسائل جهان اسلام و به اهداف دشمن نگاه می‌کرده است. او به روشنی می‌دانسته که هدف استعمارگران غربی از یورش به جهان اسلام

شهید القسام همزمان بر ضد استعمارگران انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی مبارزه کرده است. پس از بازگشت از قاهره به سوریه، انقلاب مردم لیبی بر ضد استعمارگران ایتالیایی شعله‌ور می‌شود، و القسام در این شرایط یک گردان ۲۵۰ نفره از رزمندگان داوطلب تشکیل می‌دهد تا آنان را به لیبی اعزام کند.

غارت ثروت‌های مسلمانان و به استضعاف کشیدن آنان می‌باشد.

عوامل استعمار نیز از اهداف و مبارزات حقیقیانه شهید القسام آگاهی داشتند و به طوری که در سوریه و فلسطین چند بار او را زندانی کردند. آخرین بار دولت دست نشانده فرانسه در سوریه او را به اعدام محکوم کرد که شیخ شهید با اجرای این

شهید شیخ عزالدین القسام کیست و چگونه پس از فروپاشی دولت عثمانی و یورش استعمارگران غربی در صحنه مبارزات مردم فلسطین بروز کرد؟ بسم الله الرحمن الرحیم. طرح این پرسش در آغاز گفت و گو می‌تواند به شناخت هویت این شخصیت بزرگ و این شهید اسطوره‌ای کمک کند. من در بحث‌ها و مقالات خود همواره القسام را شهید اسلام معرفی کرده‌ام. بر این باورم که او فقط شهید راه آزادی فلسطین نبوده است. مکان تولدش و راهکار مبارزه‌اش و شیوه جنگ‌های بزرگی که بر ضد استعمارگران به راه انداخت، نشان می‌دهد که راهکار و مکتب مقاومت شهید القسام در آن مرحله سرنوشت ساز، منحصر به فرد بوده است. او در آن مرحله تاریخی، از سن نوجوانی تا روز شهادتش، مکتبی را پایه‌گذاری کرد که پیروان و رهروان آن همچنان راه این شهید بزرگ را می‌پیمایند.

می‌دانید که شیخ عزالدین القسام در یک روستای ساحلی در شمال غربی سوریه دیده به جهان گشود و در دوران نوجوانی برای فراگیری علوم اسلامی عازم قاهره شد و در دانشگاه الازهر از محضر اساتید و دانشمندان بزرگی همچون شیخ محمد عبده و شیخ رشید رضا سیراب شد. هنگام تحصیل در قاهره نیز در مبارزات مردم مصر بر ضد استعمارگران انگلیسی فعالیت داشت. بنابراین القسام همزمان بر ضد استعمارگران انگلیسی و فرانسوی و ایتالیایی مبارزه کرده است. زیرا پس از بازگشت از قاهره به سوریه، انقلاب مردم لیبی بر ضد استعمارگران ایتالیایی

بازماندگان سران سازشکار عرب.



قرار داشته است، زیرا او هرگونه سازش و انعطاف پذیری را رد می‌کرده است. هنگامی که طرح انقلاب همه جانبه و همگانی را به حاج امین الحسینی مفتی فلسطین پیشنهاد کرد. الحسینی به او گفت که بهترین شیوه مبارزه در شرایط کنونی مبارزه مسالمت آمیز می‌باشد.

گمان کنم که بسیاری از فرهیختگان و نخبگان و دست اندرکاران نهضت در آن مرحله، پیش از اینکه به جهاد مسلحانه سرگرم بوده باشند در مسیر گسترش آگاهی فکری و سیاسی و فرهنگی گام بر می‌داشتند. کسانی که پرچم جهاد مسلحانه را در دست داشتند در اقلیت بودند. ولی شیخ شهید ضمن تلاش برای گسترش آگاهی دینی و سیاسی، مردم را از تریبون نماز جمعه و انجمن جوانان مسلمان و کلاس‌های درس مسجد الاستقلال به نبرد مسلحانه تشویق می‌کرد. همچنین برخی از نخبگان فلسطینی گروه انقلابی القسام را گروهی رادیکال و تندرو یا ماجراجو توصیف می‌کردند. امروزه بسیاری از مردم شنیده‌اند که پس از تأسیس حزب الله لبنان در سال ۱۹۸۲ برخی افراد سازشکار و مخالف مبارزه مسلحانه، بچه‌های حزب الله را گروهی رادیکال و ماجراجو توصیف کردند. تعدادی از سران و پادشاهان عرب نیز در جریان جنگ ۳۳ روزه بین لبنان و رژیم صهیونیستی، آقای سید حسن نصرالله رهبر مقاومت اسلامی لبنان را مردی ماجراجو عنوان کردند.

به مخالفت حاج امین الحسینی به مبارزه مسلحانه اشاره کردید. او چه راهکاری را دنبال می‌کرد؟

راهکار مبارزه مسالمت آمیز که حاج امین الحسینی در پیش گرفته بود طرفداران زیادی داشت. بیشتر شخصیت‌های سیاسی و نخبگان فلسطینی آن مرحله به راهکار مبارزه مسلحانه اعتقاد نداشتند. این شیوه همواره در تاریخ تکرار شده است. الحسینی با تاریخ نگاران و محافل رسمی عرب ارتباط قوی داشت. این تاریخ نگاران بیشتر درباره شخصیت‌های مرتبط به محافل رسمی و مشهور جهان عرب قلم فرسایی می‌کردند.

مبارزانی که در جبهه مستضعفان و محرومان جامعه حضور داشتند کسی به آنان توجه نمی‌کرد. شهید عزالدین القسام هنگام تحصیل در قاهره به راحتی می‌توانست به محافل علمی و سیاسی مشهور بیوندد و شهرت پیدا کند. ولی او همواره سعی می‌کرد هویت و اصالت مردمی خود را حفظ نماید. او برای تأمین هزینه زندگی و تحصیل در دیار غربت حلوا

است. با هرگونه مذاکره و سازش با دشمن به شدت مخالفت می‌کرده است. او قبل از آغاز انقلاب بزرگ فلسطین در سال ۱۹۳۶ چند بار به خاطر عقایدش و ایده‌هایش توسط مأموران دولت دست نشانده انگلیس بازداشت شد. زیرا او در یکی از خطبه‌های نماز جمعه حیفا خطاب به نمازگزاران گفته بود «ایمان‌تان کامل

نمی‌شود مگر هر کداتمان یک تنگ بر دوش داشته باشید». بنابراین شهید القسام با این استراتژی مبارز کرد و برای تحقق هدفی مقدس به شهادت رسید.

در آن مرحله شخصیت‌های بزرگی در جهان اسلام مانند شیخ محمد عبده و سید جمال الدین اسد آبادی و علامه اقبال و میرزای شیرازی بروز کردند، و درباره آن‌ها کتاب‌های زیادی نوشته شده است. چرا حق شهید القسام آن‌گونه که شایسته اوست ادا نشده است؟

متأسفانه یکی از دلایل گمنام بودن زندگی و مبارزات شهید القسام پراکندگی دیدگاه‌ها و جریانات فعال در صحنه فلسطین می‌باشد. شکی نیست که اشغال سرزمین فلسطین و تلاش برای مستأصل نمودن فرهنگ و تمدن این سرزمین نقش بسزایی در گمنامی هویت و تاریخ این شهید بزرگ داشته است. چنانچه تاریخچه معاصر فلسطین را بازنگری کنید، ملاحظه خواهید کرد که استعمارگران و صهیونیست‌های متجاوز ظلم مضاعفی در حق مردم فلسطین مرتکب شدند. این ظلم در مقایسه با ظلمی که در حق سایر ملت‌های عرب و مسلمان مرتکب شدند بی‌سابقه است. استعمارگران فرانسه سعی کردند هویت و فرهنگ مردم مسلمان الجزایر را از بین ببرند. استعمارگران انگلیسی و محافل صهیونیسم جهانی تلاش‌های دامنه داری را برای نابودی فرهنگ و هویت مردم فلسطین به عمل آوردند. این تلاش‌ها باعث پراکندگی ارزش‌های فرهنگی مردم فلسطین در نیمه اول قرن بیستم شود. جریانات و نخبگان فلسطینی در آن مرحله پراکنده و سردرگم شده بودند.

دلیل دوم گمنامی شخصیت شهید القسام، نبود آگاهی میان توده فلسطینی است. متأسفانه برخی تاریخ نگاران و نویسندگانی که تاریخ مبارزات مردم فلسطین را تدوین کردند، انصاف و بی‌طرفی را رعایت نکردند. این تاریخ نگاران به منابع رسمی و اسناد استعمارگران استناد می‌کردند. با این وصف می‌توان گفت که نام و شخصیت القسام به نوعی در محاصره همه جانبه

سالم و مکتبی درخشان بود، همه فکر و تلاش خود را بدور از گرایشات قومی و نژادی و گروهی وقف اسلام کرد. با گرایشات تنگ نظرانه محلی یا منطقه‌ای به شدت مخالفت کرد و همه برنامه‌های خود را روی اتحاد و یکپارچگی جهان اسلام متمرکز ساخت. هنگامی که صهیونیست‌ها تصمیم گرفتند به مسجد الاستقلال حمله کنند، برخی از شخصیت‌های شهر حیفا به القسام پیشنهاد کردند که از انگلیسی‌ها تقاضای کمک نمایند. ولی این شیخ مجاهد با این پیشنهاد به شدت مخالفت کرد و اظهار داشت که انگلیسی‌ها و یهودیان از یک قماش هستند. دو روی یک سکه‌اند. ما با بازوان توانمند خود از مسجد دفاع می‌کنیم. این داستان یادآور برخورد آیت الله فضل الله نوری و سایر رهبران انقلاب مشروطه با نخبگان و فرهیختگان آن دوره از تاریخ ایران می‌باشد. زمانی که برخی نخبگان دوران مشروطه به آیت الله فضل الله نوری پیشنهاد کردند به سفارت انگلیس پناه ببرند تا از شر رژیم استبدادی در امان بماند، به آنان گفت: «انگلیسی‌ها باید از ایران خارج شوند. من ۷۰ سال زیر پرچم اسلام زندگی کرده‌ام و باقی مانده عمرم را هرگز زیر پرچم انگلیسی‌ها و بیگانگان سپری نمی‌کنم.

چنانچه زندگی و رفتار شیخ عزالدین القسام را بازنگری کنیم ملاحظه خواهیم کرد که او قبل از مهاجرت به فلسطین به جهاد مسلحانه اعتقاد داشته

در ارتباط با سفر حاج امین الحسینی به برلین و ملاقات با هیتلر شاید بتوان گفت که این حرکت در نتیجه شرایط سخت فلسطین و خیانت رژیم‌های حاکم عرب در آن مرحله بوده است. متأسفانه نظام‌های سیاسی عرب در آن شرایط پاسدار منافع انگلیس و ژاندارم مرزهای فلسطین بودند. رژیم‌های دست نشانده نقش بسزایی در باروری و بارداری و پرورش این نوزاد نامشروع «اسرائیل» در فلسطین داشتند



دیدار حاج امین الحسینی نقش فلسطین با هیتلر.



گرفت. اکنون جنبش‌های حماس و جهاد اسلامی نیز این راهکار را ادامه می‌دهند. بسیاری از جنبش‌ها و سازمان‌های فلسطینی اصول مبارزات مسلحانه‌شان را بر مبنای راهکار شهید عزالدین القسام پایه‌گذاری کردند. او را نماد مبارزات خود می‌دانند. بنابراین می‌توان گفت که القسام امروزه نماد و مشعل درخشان راه آزادی

و استقلال ملت فلسطین شده است. جنبش‌های مبارز فلسطینی جز پرچم القسام هیچ پرچمی در دست ندارند.

به انقلاب عراق نگاه کنید، کسانی مانند رشید عالی الکیلانی که برای رهایی از استعمار انگلیس زیر پرچم آلمان قرار گرفتند چه نامی از آنها در تاریخ مانده است؟ آیا شنیده‌اید که احزاب و سازمان‌های عراقی روزی الکیلانی را نماد خود قرار داده باشند؟

گروه‌های سازشکار فلسطینی، رزمندگان مقاومت را به بهانه‌های گوناگون نفی یا نکوهش می‌کنند. زیرا این جنبش‌هایی خواهند همراه و همفکر مقاومت لبنان و عراق باشند. می‌خواهند با جمهوری اسلامی ایران که زیر بار دیکته بیگانگان نمی‌رود، همبستگی داشته باشند. مگر امروز حماس و همه مردم فلسطین را به مزدوری برای ایران متهم نمی‌کنند. مگر امروزه رژیم‌های عرب، جنبش‌های مقاومت فلسطین را به پیروی از مذهب تشیع و تأمین منافع ایران در منطقه متهم نمی‌کنند؟

تاریخ از این افراد به عنوان افراد شورشگر یاد می‌کند. نام و راهکار چه کسانی در تاریخ زنده و جاوید می‌ماند؟ بی تردید راه القسام است. نام پیروان خط پیامبران و ائمه و صالحان در تاریخ زنده می‌ماند. نام کسانی در تاریخ زنده می‌ماند که روی اصول دینی و ملی خود ثابت قدم و استوار هستند.

در ارتباط با سفر حاج امین الحسینی به برلین و ملاقات با هیتلر شاید بتوان گفت که این حرکت در نتیجه شرایط سخت فلسطین و خیانت رژیم‌های حاکم عرب در آن مرحله بوده است. متأسفانه نظام‌های سیاسی عرب در آن شرایط پاسدار منافع انگلیس و ژاندارم مرزهای فلسطین بودند. این رژیم‌های دست نشانده نقش بسزایی در باروری و بارداری و پرورش این نوزاد نامشروع «اسرائیل» در فلسطین داشتند. لذا عقیده بر این است که فلسطینی‌ها برای آزادی سرزمین خود انتظار داشتند از دولت‌های دوست به طور محدود و بدون قید و شرط کمک دریافت کنند، زیرا در شرایط بسیار سخت و استثنایی بسر می‌برند.

تهیه می‌کرد و در بازارهای قاهره می‌فروخت. سیره پیامبران و بزرگان اینطور بوده است. پیامبران و امامان کشاورزی می‌کردند و فعالیت‌های حرفه‌ای داشتند. به هر حال پس از گذشته چند دهه نام این شیخ شهید دوباره در تاریخ مطرح شد، و اکنون از جایگاه این شخصیت انقلابی به خوبی تجلیل و قدردانی می‌شود. این کاری که معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران انجام می‌دهد نشانگر یکی از گام‌هایی است که در قدردانی از این شخصیت فرزانه به عمل می‌آید.

پس از ناکامی انقلاب رشید عالی الکیلانی در عراق و سرکوب انقلاب سراسری فلسطین در سال ۱۹۳۹ الکیلانی و الحسینی به منظور رویارویی با انگلیس مدتی به آلمان رفتند تا از هیتلر تقاضای کمک کنند. این حرکت را چگونه تفسیر می‌کنید؟ این بخشی از فاجعه‌ای است که دچار نخبگان سیاسی و نظامی اعراب در آن مرحله شده بود. من قصد ندارم راهکار کسی را زیر سؤال ببرم. ولی می‌گویم که راهکار شهید القسام همچنان در تاریخ و فرهنگ و سیاست‌مان زنده مانده است. راهکار او تنها شمشیر برنده و کارساز بوده است. او راهکار مبارزه واقعی را از مبارزات سیاسی و مسالمت‌آمیز دیگران که بر قدرت بیگانگان تکیه داشتند متمایز کرد. شیخ شهید همه گونه درد و رنج و ظلم را با جان و دل پذیرفت و به قدرت خدا و قدرت مردم متکی ماند. در برابر همه تلاش‌هایی که به منظور منزوی کردن او یا ترور شخصیت یا حذف او از صحنه به عمل آمد، ایستاد و روی اصول ثابت و انعطاف ناپذیر خود اصرار ورزید و جانب حق را در پیش گرفت. هر چند که رهروان راه حق تعدادشان اندک بود. او هرگز دنبال شهرت و قدرت طلبی نبود.

لازم می‌دانم به این نکته نیز اشاره کنم که بسیاری از علمای اسلام کشورهای اسلامی هر چند که با القسام ارتباط نداشتند ولی راه و مرام او را می‌پیمودند. این علما برای نجات میهن از اشغال بیگانه‌ای به بیگانه دیگری پناه نمی‌بردند. به طور مثال زمانی که انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و در محاصره توطئه‌های گوناگون شرق و غرب قرار گرفت امام خمینی (ره) نظریه نه شرقی و نه غربی را مطرح کردند. امام در دوران جنگ سرد گرایش به قدرت‌های بیگانه را جایز نمی‌دانستند. هرگونه حمایت خارجی را رد نمودند. هنگامی که امام در نجف اشرف بسر می‌بردند برخی افراد به ایشان پیشنهاد کردند که برای مبارزه با رژیم شاه از امکانات حزب بعث عراق استفاده کنند. ایشان برای مبارزه با استبداد شاه هرگز حاضر نشدند از امکانات مستبد دیگری استفاده کنند. راهکار القسام نیز اینگونه بوده است. این راهکار در تاریخ زنده و جاوید باقی مانده است. کسانی که به این قدرت یا آن قدرت پناه می‌بردند و روی مواضع و اصول خود پایدار و ثابت قدم نمی‌ماندند، جایگاهی در محفل تاریخ نگاران و پژوهش‌گران نخواهند داشت. القسام و امثال او پایه‌گذاران مکاتب مقاومت و جهاد بودند.

نگاه کنید، جنبش فتح که بزرگ‌ترین جنبش رهایی بخش فلسطینی است، راهکار القسام را در پیش

به شرایط سخت آن مرحله اشاره کردید. گمان نمی‌کنید که شرایط امروز فلسطین با شرایط مرحله القسام فرقی نکرده است؟

در ارتباط با جنبش‌های جهادی و سازمان‌های مقاومت فلسطین شرایط فرق نکرده است. امروز نیز هر کدام از مجاهدان و فدائیان و مبارزان فلسطینی که خواسته باشد روی اصول ثابت ملی استوار و پایدار بماند، و به مبارزه برای آزادی و استقلال فلسطین ادامه دهد و حقوق انکار ناپذیر مردمش را بازستاند، او را متهم می‌کنند که در اقلیت قرار دارد. به تدریج متهم می‌شود. می‌کوشند او را منزوی کنند. امروزه مجاهدان و مبارزان مسلمان و ملی‌گرای فلسطینی با شرایط سخت و پیچیده‌ای رو به رو هستند که شهید القسام در دوران حیات با چنین شرایطی مواجه بوده است. لذا ملاحظه می‌کنیم که برای خاموش نمودن شعله‌های جهاد و مقاومت بر ضد جنبش‌های مقاومت توطئه می‌کنند.

در این میان گروه‌های سازشکار فلسطینی، رزمندگان مقاومت را به بهانه‌های گوناگون طرد و نفی و نکوهش می‌کنند. زیرا این جنبش‌ها می‌خواهند همراه و همفکر مقاومت لبنان و عراق باشند. می‌خواهند با جمهوری اسلامی ایران که زیر بار دیکته بیگانگان نمی‌رود، همبستگی داشته باشند. مگر امروز حماس و همه مردم فلسطین را به مزدوری برای ایران متهم نمی‌کنند. مگر امروزه رژیم‌های عرب ادعا نمی‌کنند که حماس امنیت ملی آنان را تهدید می‌کند؟ چرا که این جنبش با جمهوری اسلامی ایران در یک جبهه قرار دارد. مگر امروزه رژیم‌های عرب، جنبش‌های مقاومت فلسطین را به پیروی از مذهب تشیع و تأمین منافع ایران در منطقه متهم نمی‌کنند؟ این هم یک نمونه از شانتاژهایی است که القسام در آن مرحله با آن مواجه بوده است. بنابراین شرایط کنونی صحنه فلسطین با شرایط گذشته تفاوتی ندارد.

با این وصف همه نیروهای انقلابی و مسلمان وظیفه دارند به اصول ثابت ملی چنگ زنند. البته نباید فراموش کرد که جنبش‌های معاصر مقاومت و برخی دولت‌های منطقه همچون ایران و سوریه دستاوردهای فراوانی کسب کرده‌اند. مقاومت لبنان و فلسطین به رغم نابرابری موازنه قدرت به پیروزی‌های چشمگیری دست یافته‌اند.

در قرن گذشته انقلاب‌ها و قیام‌های مردمی زیادی روی داد و ملت‌های بسیاری به اهدافشان نایل

نام سوریه بزرگ قرار داشتند. لبنان پیش از تقسیم این سرزمین به نام ایالت شمالی فلسطین نامیده می‌شد. فلسطین ایالت جنوبی سوریه نامیده می‌شده است. صرف‌نظر از منطقه خاورمیانه، جهان عرب و جهان اسلام هم یکپارچه بوده است. مردم این سرزمین‌ها زیر پرچم اسلام زندگی می‌کردند. مرز جغرافیایی میان‌شان وجود نداشت. به گذرنامه و روادید عبور نیاز نداشتند.

علمای دینی آن مرحله، علمای اسلام نامیده می‌شدند. هویت علمای بخارا، سمرقند، قاهره، تهران، ری، جده، بغداد، فاس و یمن یکسان بود. تقسیم بدنی میان‌شان وجود نداشت. به هیچ‌کس نمی‌گفتند این عالم مصری است و این عالم ایرانی است. متأسفانه زمامداران جهان اسلام و جهان عرب از زمان بروز اولین تراژدی در عصر جدید، یعنی فروپاشی دولت عثمانی، و از زمان بروز دومین تراژدی یعنی واگذاری سرزمین فلسطین به یهودیان غاصب، به هیچ‌طور کامل تسلیم قدرت‌های جهانی شده‌اند و هیچ حرکتی را به منظور دگرگونی وضع موجود انجام نمی‌دهند. این زمامداران خود را با تحولات جدید جهانی هماهنگ کرده‌اند. با قدرت‌های بزرگ انس گرفته‌اند، همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید برای عادی سازی روابط با کیان بی‌گانه و نامشروع و ساختگی «اسرائیل» از یکدیگر سبقت می‌گیرند.

با وجودی که رژیم صهیونیستی به برکت وجود مقاومت نتوانسته با ابزار نظامی دامنه موجودیت خود را در منطقه گسترش دهد، ولی می‌کوشد بر فرهنگ و اقتصاد و امنیت ملت‌های منطقه اعمال سلطه کند و سیاست‌های فزون‌خواهانه خود را بر آنان تحمیل نماید.

حدود یکسال است که عملیات مقاومت در سرزمین‌های اشغالی فلسطین و جنوب لبنان متوقف شده است. آیا توقف مقاومت بر اثر فشارهای بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است؟

با وجودی که رژیم‌های عرب، روحانیون درباری، فرهیختگان و نجبان غرب زده به حمله‌های تبلیغاتی و وحشیانه و دامنه داری بر ضد هرگونه مقاومت به ویژه عملیات مقاومت مسلحانه دست زده‌اند، و در برابر اقدامات همه جانبه مخالفان عادی سازی روابط اقتصادی و فرهنگی و سیاسی با دشمن صهیونیستی کارشکنی می‌کنند، به رغم همه این کارشکنی‌ها و شانتاژها عملیات مقاومت ضد صهیونیستی تا دستیابی به حقوق ملت فلسطین ادامه خواهد یافت. مجاهدان و رزمندگان مقاومت که در یک دست قرآن و در دست دیگر سلاح حمل کرده‌اند، در حال تجدید قوا و بازسازی نیرو و بسیج امکانات و تهیه اسلحه و مهمات بسر می‌برند تا در لحظه مناسب که بسیار نزدیک است بر دشمن چیره شوند. من شکی ندارم که لحظه موعود به زودی فرا خواهد رسید. رزمندگان مترصد ریسک و اقدام نابخردانه دشمن صهیونیستی قرار دارند. همان‌گونه که جناب آقای سید حسن نصرالله دبیر کل حزب الله و فرمانده کل نیروهای مقاومت در خاورمیانه وعده داده است، رزمندگان مقاومت به یاری خداوند و با سربلندی و غرور وارد سرزمین فلسطین خواهند شد. ■



تهاجم و سرانجام پیروزی بر ابزارهای این تهاجم به مبارزه دراز مدت نیاز دارد. شاید این مبارزه به یک قرن یا دو قرن ادامه پیدا کند. جنگ با صلیبی‌ها در فلسطین حدود دو قرن طول کشید.

۴- پراکندگی و تفرقه و ناهماهنگی امت اسلامی و مبارزان فلسطینی یکی دیگر از علل تداوم بحران فلسطین بوده است. ولی مهم‌ترین علت تداوم این بحران پشتیبانی همه قدرت‌های جهانی از طرح صهیونیسم در فلسطین است. از سوی دیگر زنده و پویا ماندن قضیه فلسطین به خاطر پایبندی مردم فلسطین به اسلام و راهکار قرآن می‌باشد.

به نظر تان رژیم‌های کنونی حاکم در جهان عرب در مسیر رژیم‌های پیشین گام بر می‌دارند؟

متأسفانه همین‌طور است. ماهیت این رژیم‌ها به میزان متفاوت، مانند ماهیت رژیم‌های عرب پیشین

متأسفانه زمامداران جهان اسلام و جهان عرب از زمان بروز اولین تراژدی در عصر جدید، یعنی فروپاشی دولت عثمانی، و از زمان بروز دومین تراژدی یعنی واگذاری سرزمین فلسطین به یهودیان غاصب، به طور کامل تسلیم قدرت‌های جهانی شده‌اند و هیچ حرکتی را به منظور دگرگونی وضع موجود انجام نمی‌دهند.

می‌باشد. این رژیم‌ها همچنان نقش ژاندارمی دفاع از مرزهای ساختگی جهان عرب و جهان اسلام را ایفا می‌کنند. این مرزبندی جغرافیایی در پی امضای معاهده سایکس بیکو میان انگلیس و فرانسه پس از جنگ جهانی اول به وجود آمده است. این رژیم‌ها بر خلاف حرکت تاریخ و بر خلاف سنت هستی حرکت می‌کنند. زیرا خاورمیانه پیش از یورش استعمارگران یکپارچه بوده است. به طور مثال سرزمین‌های لبنان و فلسطین و اردن و سوریه در قالب یک سرزمین به

آمدند. چرا ملت فلسطین تاکنون به استقلال و آزادی نرسیده است؟

این سؤال مهمی است. عدم دستیابی ملت فلسطین به حقوق اساسی از جمله استقلال و آزادی به علت مشکلات متعددی بوده که عبارتند:

۱- این منطقه جغرافیایی «فلسطین» از نظر راهبردی، تاریخی، فرهنگی و معنوی دارای اهمیت فراوانی است. این سرزمین زادگاه پیامبران و محل عروج پیامبر مان حضرت رسول اکرم (ص) می‌باشد. فلسطین از ابتدای قرن بیستم با بدترین و زشت‌ترین شیوه استعماری مواجه بوده است. همه دشمنان قسم خورده اسلام، بیگانگان سلطه‌گر شرق و غرب، بلوک کمونیستی و سرمایه‌داری و لیبرالیستی و صهیونیسم افراطی همه و همه از کیان غاصب و جنبش صهیونیسم جهانی پشتیبانی کرده‌اند. همه این طیف‌های مستکبر در آوارگی ملت فلسطین و برپایی کیانی به نام «اسرائیل» نقش آفرینی کردند. هدف اصلی و اول استکبار جهانی مستأصل نمودن ملت فلسطین از این سرزمین بوده است.

۲- جیمز آرثر بالفور وزیر خارجه وقت انگلیس در منشور خود که در سال ۱۹۱۷ صادر شد اعلام کرد «دولت سلطنتی انگلیس درصدد است میهن بی‌مردمی را به مردمی بی‌میهن واگذار کند». هیچ‌کس در جهان این منشور شوم و این دروغ بزرگ را فراموش نمی‌کند. استعمارگران و قدرت‌های استکباری هم‌چنین برای تحقق این هدف شوم روایات دینی ساختگی را یدک کشیدند و مدعی شدند که بنی اسرائیل به میهن اصلی‌شان باز می‌گردند. همه طیف‌های یاد شده برای تحقق این ایده تلاش‌های دامنه‌دار و وحشتناکی را به عمل آوردند. هیچ سرزمینی در جهان شاهد چنین حرکت نسل کشی و استیصال ملتی نبوده است.

استعمارگران فرانسوی نیز هنگام اشغال الجزایر به شدت کوشیدند فرهنگ و دین و زبان مردم این سرزمین را نابود کنند. ولی کاری که صهیونیست‌ها و انگلیسی‌ها در فلسطین انجام دادند در دنیا بی‌سابقه بوده است. با این وصف زنده و پویا ماندن قضیه فلسطین به رغم همه تلاش‌های استیصال‌ی یک نوع معجزه است. مقاومت و پویایی ملت فلسطین به یک اعجاز تاریخی شباهت دارد. پویایی و زنده بودن ملت فلسطین به این دلیل است که این ملت به دین، فرهنگ و تاریخ و هویت خود جنگ زده است. این ملت از نخستین لحظه بروز بحران فلسطین به ریسمان خدا و ریسمان قرآن چنگ زد و راه شهید عزالدین القسام را پیمود. و گرنه مانند سرخ‌پوستان آمریکا منقرض می‌شد.

۳- شکی نیست که هدف یورش استعمارگران به فلسطین و برپایی کیان غاصب در این سرزمین به نابودی ملت فلسطین محدود نبوده است. هدف آنها به زانو درآوردن همه ملت‌های منطقه و امت اسلامی بوده است. هدف آنها مبارزه با فرهنگ و هویت و تمدن و تاریخ امت اسلامی است. لذا رزمندگان مقاومت فلسطین در خط مقدم جبهه دفاع از امت اسلامی قرار دادند. در خط مقدم رویارویی با همه قدرت‌های استکباری و استعماری قرار دادند. بنابراین ایستادگی در برابر این تهاجم و متوقف ساختن این